

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)

۰۱ می ۲۰۲۳

## زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

روز جهانی کارگر فرا می رسد. روزی که میلیون ها کارگر در سراسر جهان، کارخانه ها، کارگاه ها، کشتزارها و سایر محل های کار را رها می کنند و با برافراشتن مشت های گره کرده خود، شکوه و همبستگی جهانی شان را به نمایش می گذارند؛ شکوه و همبستگی مبارزاتی علیه سرمایه داری حاکم بر جهان این دشمنان مشترک همه کارگران و زحمتکشان.

در شرایطی روز جهانی کارگر فرا میرسد که تحت حاکمیت سرمایه داری امپریالیستی بویژه در دهه های اخیر و دوران گلوبالیزاسیون و غلبه فقر و بیکاری در میان کارگران و زحمت کشان، پدیده بردگی زنان، کودکان و مردان به شکل بی سابقه ای افزایش یافته است. برای تامین نیروی کار و به بردگی گرفتن انسان ها است که هر ساله ده ها هزار زن از کشورهای آفریقایی و آسیایی برای پیدا کردن کار به کشورهای پیشرفته سرمایه داری و یا کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر می کنند. بخش بزرگی از این زنان بدون حقوق به کار اجباری مشغول اند. باید بر این واقعیت تاکید شود که زنان با توجه به سلطه پدر/مردسالاری و تبعیض جنسیتی که در نتیجه آن درآمد نازل تری دارند، بیشترین بخش جمعیت فقیر را در سطح جهانی تشکیل می دهند. در واقع زنان با نیروی کار ارزان و یا کار بدون مزد، تحت شدید ترین استثمار قرار دارند.

حاکمیت نئولیبرالیسم در سطح جهان باعث شده است که میلیون ها کودک در معادن، کوره های آجر پزی، هتل ها، صنعت پوشاک، دستفروشی، گدائی، زباله گردی و...، به کار اجباری وادار شوند. در ایران آمارهای غیر رسمی حکایت از وجود هفت میلیون کودک کار دارند. نیمی از این کودکان کار از کشورهای همسایه خصوصا از افغانستان به ایران آمده و مشغول به بیگاری هستند. اکثر این کودکان زیر نظر باند های بهره کشی از کار کودکان، به کارهای شاق و طاقت فرسا مشغول هستند.

واقعیت امروزی جهان با حاکمیت سرمایه داری امپریالیستی، فقری است که بر اکثریت مردم دنیا که کارگر و زحمت کش هستند، تحمیل شده است. بنا بر آمارهای منتشر شده نزدیک به یک میلیارد انسان در فقر مطلق قرار دارند و بسیاری نیز در صف پیوستن به آنان هستند. یک نمونه بارز آن افغانستان است که با به قدرت رساندن طالبان توسط امپریالیست های آمریکایی و شرکا، اکثریت مردم در گرسنگی بسر می برند و بنا بر آمارهای رسمی حداقل روزانه ۲۰۰ کودک جان شان را به خاطر سوء تغذیه از دست می دهند. در خانواده های زحمتکش، هزاران کودک که عمدتا

دختر هستند، برای بقای سایر افراد خانواده در بازارو یا به مردانی که جای پدر و پدر بزرگ شان هستند، در برابر مبلغ ناچیزی به فروش می رسند. طبق فرامین ضد زن طالبان، خیل عظیمی از زنان از کار منع شده اند. در این میان ده ها هزار زن کارگر که عمدتاً سرپرست خانوار هستند اجازه کار ندارند و در کنج خانه ها بدون هیچ گونه حمایتی برای ادامه زندگی نشسته اند. میلیون ها کارگر و زحمتکش افغانستانی بخاطر فقر به کشورهای مختلف جهان برای بدست آوردن حقوق ناچیزی فرار می کنند و در این کشورها از جمله ایران مجبور به تن دادن به هر نوع کار مشقت باری می شوند.

در شرایطی روز جهانی کارگر فرا می رسد که در روزهای اخیر، دور جدیدی از اعتصابات سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای نفت و گاز، پتروشیمی، فولاد و معادن در ایران آغاز شده و همچنان ادامه دارد. تا کنون بیش از صد کارگاه و شرکت به این اعتصاب پیوسته اند و برای خواست های بحق خود مبارزه می کنند. این مبارزه در شرایطی که اوضاع اقتصادی و سیاسی به بحرانی ترین موقعیت خود رسیده و اکثریت کارگران و زحمت کشان جامعه، معترضان بالقوه و بالفعل به کلیت نظام سرمایه داری فاشیست حاکم در ایران می باشند، اهرم فشار مؤثری است در تشدید بحران حاکمیت نظام.

قدر مسلم پیوستن زنان کارگر و زحمتکش بطور گسترده به این اعتصاب سراسری و هم زمان مبارزه علیه حجاب اجباری و سرنگردن آن، هم پیشروی و همه گیر کردن این اعتصاب را تضمین می کند و هم سمت و سوی سیاسی مهمی را برای ادامه یابی این مبارزه پیش می گذارند. این شکل مبارزه هم کارگران مرد را در دفاع عملی از خواست زنان برای کنترل بر بدن شان با خود همراه می کند و هم به کل نظام ضد کارگر و ضد زن حاکم، ضربه وارد می نماید.

این حقیقتی انکار ناپذیر است که تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی فرودستی به همه زنان روا می شود، اما شدیدترین ابعاد این فرودستی به اکثریت زنان که زنان کارگر و زحمت کش هستند، تحمیل می شود. زنان کارگر و زحمتکش، نه تنها به دلیل جایگاه طبقاتی شان تحت ستم هستند، بلکه همزمان به خاطر زن بودنشان، بیش از مردان هم طبقه ای خود مورد ستم قرار دارند.

جمهوری اسلامی با تعمیق رابطه سلطه گرانه مرد بر زن که در مرکز آن مالکیت بر بدن زن قرار دارد، شرایطی را بوجود آورده که بتواند برای کشیدن شیره ی جان زنان و مردان کارگر، شکاف بین زن و مرد کارگر را حفظ کرده و تداوم بخشد و بر پایه آن هر چه وحشیانه تر زنان کارگر و زحمت کش را استثمار نماید. زنانی که حق کنترل بر بدن خود را ندارند و حتا پوشش خود را نمی توانند تعیین کنند را آسان تر می توان وادار نمود که کار طاقت فرسا و شرایط فوق استثمار را تحمل کنند و بپذیرند که در کارخانه ها، کارگاه ها، مزارع، مشاغل خدماتی، حتا در خانه های شان مورد شدیدترین اشکال ستم جنسیتی واقع شوند.

تشدید شکاف های جنسیتی، ملی و... در بین کارگران و زحمت کشان یکی از حربه های اصلی جمهوری اسلامی ایران برای تشدید استثمار است. بر همین اساس است که به کارگران و زحمت کشان افغانستان علاوه بر سپردن کارهای طاقت فرسا، حقوق به مراتب کمتری نسبت به سایر کارگران پرداخت می کنند. کارگران مهاجر افغانستان که بیش از ده درصد نیروی کار را تشکیل می دهند، نقش مهم و تعیین کننده ای را در ساختار اقتصادی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی دارند. این کارگران در جهمی به نام ایران مجبورند تن به هر بیگاری و با هر دستمزدی بدهند. سرمایه داران، کوره های آجر پزی، مزارع، دارهای قالی و جمع آوری پلاستیک از سطل های آشغال را با سازماندهی کودکان افغانستان حتی زیر ده سال می چرخانند و از قبل استثمار شدید با پرداخت دستمزدهای بسیار

ناچیز و در بسیاری موارد بدون مزد، سودهای کلان به جیب می زنند. زنان کارگر و زحمت کش افغانستان علاوه بر این سطح بالای استثمار و نژاد پرستی به خاطر زن بودن، شدیدترین اشکال ستم جنسیتی را نیز متحمل می شوند. شهروندان افغانستان ساکن ایران بخشی از ستمدیده ترین اقشار تحتانی جامعه هستند و بر همین اساس هم، دختران و پسران پیشرو افغانستان، به خیزش ژینا پیوستند و دست در دست سایر ستمدیدگان علیه رژیم ستمگر و شونیست جمهوری اسلامی جنگیدند و در این راه کشته شدند.

در شرایطی روز جهانی کارگر را بر گزار می کنیم که در فکر و عمل مردم در نتیجه مبارزات گوناگون بویژه خیزش ژینا، تحول مثبت و رو به آینده ایجاد شده است. مهم ترین تحول این است که سرنگونی جمهوری اسلامی به خواستی عمیق و گسترده در میان اکثریت مردم بخصوص تهیدستان شهر و روستا تبدیل شده است. به همین دلیل هم انواع و اقسام جریانات پرو امپریالیست احساس خطر کرده و برای منحرف کردن اذهان مردم و برای جلوگیری از ادامه یابی مبارزه در مسیر انقلاب واقعی و سرنگونی سیستم ستم و استثمار جمهوری اسلامی، به تکاپو افتاده اند. در پاسخگویی انقلابی به ضرورت تغییر رادیکال جامعه ایران است که می توان طرح و برنامه های گوناگون امپریالیست ها و حامیان شان برای حفظ سیستم سرمایه داری حاکم در ایران را در هم شکست و روند پیشروی مبارزه انقلابی در جهت ساختن جامعه ای بدون ستم جنسیتی، ستم ملی، ستم بر اقلیت های جنسی، ستم بر شهروندان مهاجر افغانستان و از همه زیربنایی تر، ستم و استثمار طبقاتی را هموار ساخت.

**سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)**

**۲۸ اپریل ۲۰۲۳ / ۸ اردیبهشت - ثور ۱۴۰۲**